

فصلنامه مطالعات نوین بانکی

شماره مجوز: ۸۳۲۸۹ ((شماره بیست و ششم-بهار ۱۴۰۴)) ISSN : 2645-5420

بررسی و تحلیل ثبات مالی و شاخصه های آن در صنعت بانکداری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۲۷)

شیما نادریان

چکیده

ثبات مالی در صنعت بانکداری، یکی از ویژگی های اصلی برای اقتصادهای موفق در جهان، می باشد. وجود ثبات مالی در صنعت بانکداری به عنوان بزرگ ترین نهاد واسطه گری، می تواند مانع از بروز بحران های اقتصادی گردد. به همین جهت مطالعه ثبات مالی در صنعت بانکداری از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در این پژوهش به آن پرداخته می شود. رقابت و تمرکز از جمله عوامل تاثیر گذار بر ثبات در صنعت بانکداری می باشد. نتایج حاصل از مطالعه نشان می دهد که هر چه رشد اقتصادی افزایش می یابد، میزان مطالبات غیر جاری افزایش می یابد که این نشانگر ضد چرخه ای بودن فعالیت بانک ها می باشد. علاوه بر آن براساس یافته های پژوهش افزایش تمرکز و کاهش رقابت منجر به افزایش ثبات مالی در صنعت بانکداری ایران شده است.

واژگان کلیدی: ثبات مالی، تمرکز، رقابت، صنعت بانکداری، گشتاورهای تعمیم یافته

صنعت بانکداری یکی از مهمترین بخش های هر اقتصادی محسوب می شود زیرا بانک ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی شمرده می شوند. اما بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا به دلیل توسعه نیافتن بازار سرمایه در حد لازم در عمل این بانک ها هستند که عهده دار تامین مالی بلند مدت نیز می باشند. (دلخواه و همکاران ۱۳۹۰) لذا ساختار تامین مالی در ایران بانک محور و متکی بر بانک ها است. ساختار تامین مالی در اقتصاد ایران از سه بخش اصلی بازار پول، بازار سرمایه و سرمایه گذاری خارجی تشکیل می شود، برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا که بازار سرمایه پایه اصلی تامین مالی اقتصاد به شمار می رود در ایران بیشترین مسئولیت تامین مالی بر عهده شبکه بانکی بوده و بازار مالی سهم چندانی ندارد. (کميجانی، همایش صنعت بانکداری ۱۳۹۴)

رشد اقتصادی بالاتر هدف هر اقتصادی است و تمام کشورها برای دست یابی به هدف خود از سیاست های مختلفی استفاده می کنند بنابراین بخش بانکی به عنوان واسطه مالی نقش بسزایی را در تسريع و يا کند نمودن رشد اقتصادی ایفا می کند، اعتبارات بانکی، ابزار مناسبی برای تشويق رشد اقتصادی بخصوص در مراحل اولیه توسعه بشمار می رود، این مسئله از اهمیت اساسی اعتبارات در تامین سرمایه لازم برای انجام پروژه های سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه نشأت می گیرد، وقتی اعتبارات بانکی گران و کمیاب می شود، تقاضای کل در اقتصاد کاهش می یابد و این منجر به افزایش بیکاری و کاهش سرمایه گذاری می شود. همین طور به لحاظ آنکه سپرده های بانکی مهم ترین قسمت عرضه پول ملی را تشکیل می دهند و منشا سپرده های بانکی، اعتبارات است، لذا عملکرد مناسب سیستم بانکی تاثیر بسزایی را در

میزان تولید، رونق اقتصادی و قیمت تمام شده کالاها دارد و عدم وجود ثبات در بخش بانکی زمینه را برای بروز نابسامانی‌های اقتصادی فراهم می‌کند.

هدف اصلی مدیریت بانکی، مشابه هر کسب و کار دیگری دستیابی به سود است، همانطور که الزام اساسی در تمام فعالیت‌های انتفاعی، سود آوری می‌باشد (برگر و همکاران ۲۰۰۸)، در سطح کلان، یک نظام بانکی سودآور و قوی می‌تواند در مقابل تکانه‌های منفی بازار مقاومت کند و به نظام مالی یک اقتصاد ثبات ببخشد (اثاناسو و همکاران ۲۰۰۸). اما این هدف به واسطه عدم کارایی سیستم بانکی در شرایط فعلی قابل دستیابی نیست، لذا بررسی و تحلیل ثبات سیستم بانکی کشور مهم و دارای اهمیت است، ثبات بانک‌ها از جمله موضوعاتی است که در ادبیات اقتصادی در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب نموده است، درسی که بحران مالی یکی دو دهه اخیر برای اندیشمندان و سیاستمداران در پی داشت، مراقبت بیشتر و دقیق‌تر نسبت به ثبات موسسات مالی و به ویژه بانک‌ها است، بانک‌ها به دلیل ارتباطات بسیار عمیقی که هم با یکدیگر و هم با سایر بخش‌های اقتصاد دارند از جایگاه ویژه‌ای هم در اقتصادهای توسعه یافته و هم در حال توسعه برخوردارند. هر بحران در یک بانک قابلیت آن را دارد که به سرعت به سایر بانک‌ها نیز سرایت کند (اثر سرایت) و ورشکستگی یک بانک می‌تواند سایرین را نیز در معرض خطر ورشکستگی قرار دهد (اثر دومینو). نقش حساس و مهم بانکداری در اقتصاد ایران و تحلیل عوامل رقابت و تمرکز بر ثبات مالی بانک‌ها در جهت همراهی با رشد اقتصادی مهم و دارای ارزش است که این مطالعه به آن می‌پردازد.

بخش اول: کلیات

رشد اقتصادی همواره یکی از اهداف مهم دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه بوده است به موجب آن بانک‌ها با فراهم آوردن منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری واقعی، نقش واسطه‌گری مالی، قادر به تاثیر گذاری بر رشد اقتصادی شده‌اند. بنابراین این اعتقاد به طور کامل پذیرفته شده است که نقش سیستم مالی در اقتصاد بسیار مهم و دارای ارزش است و به همین دلیل ریشه بسیاری از بحران‌های اقتصادی که در کشورهای مختلف رخ داده است، عملکرد بخش بانکی بوده است به طور مثال بحران‌های بانکی و مالی آسیای شرقی به دنبال افزایش مطالبات معوق بانک‌ها پدید آمده است (خراج و پاشا ۲۰۱۰) بحران مالی چند سال پیش آمریکا ناشی از افزایش نرخ نکول وام‌های رهنی بوده است، براساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس سال ۱۳۸۸، ایران در بحث توسعه مالی در ردیف کشورهای با سطح پایین توسعه قرار دارد، این مرکز با بیان اینکه پایین بودن عمق بخش مالی، باعث تخصیص ناکارایی منابع مالی می‌شود، اعلام کرده است که توسعه مالی در کشور ایران وضعیت مطلوبی نداشته و در مقایسه با کشورهای منتخب نظیر پاکستان، هند و امارات در ردیف کشورهای با سطح توسعه مالی بسیار پایین قرار دارد، بر اساس این گزارش کارایی پایین بانک‌ها یکی از مهمترین عوامل محدود کننده توسعه مالی کشور بوده است، بنابراین کارایی شرط لازم برای سودآوری و بنابراین ثبات مالی سیستم بانکی است. در واقع ثبات مالی عبارت نسبتاً جدیدی است که پس از وقوع بحران‌های مالی در آمریکای لاتین، آسیای جنوب شرقی روسیه و ترکیه از اواخر دهه‌ی گذشته میلادی به میزان وسیع و فزاینده‌ای در مجامع سیاستگذاری و ادبیات اقتصادی مطرح شده است. اتخاذ تدابیری پیشگیرانه برای مقابله با ریسک‌های سیستمیک در بخش مالی و ایجاد استحکام در موسسات مالی برای کاهش هزینه‌ی بحران‌های مالی، عناصر

اصلی بسته‌ی سیاستی ثابت مالی هستند. ثبات مالی، توانایی سیستم اقتصادی برای اختصاص منابع، مدیریت ریسک و جذب شوک‌های مختلف است. (نیلی ۱۳۹۲)

۱- رقابت: رقابت مفهومی پویا است که بنگاه‌ها دائماً در معرض رقابت با همدیگر قرار دارند و تمام بنگاه‌ها دارای هدف یکسانی هستند و برای ماندگاری در بازار، کالا یا خدماتی را با حداکثر کیفیت و حداقل هزینه ارائه می‌دهند، در واقع رقابت بر بقای شایسته‌ترین‌ها دلالت دارد. طوری که شومپتر (۱۹۶۸) در دفاع از انحصار، آن را بخش ضروری و جدایی ناپذیری رقابت می‌داند، از نظر او رقبا همواره در صدد هستند که نتیجه بهتری را نسبت به سایرین به دست بیاورند و در راه رسیدن به این هدف در ابعاد مختلفی همچون تحقیق و توسعه و افزایش کارایی اهتمام می‌ورزند، شرکت‌هایی که تلاش بیشتری نمایند دارای قدرت بازاری نیز خواهند بود و بنابراین انحصار از درون رقابت به وجود می‌آید. (خداداد کاشی ۱۳۹۱) در مفهومی دیگر رقابت به معنای ایجاد وضعیتی بدور از تحت تاثیر افراد و بنگاه‌ها است و توسط نیروهای نامرئی هدایت می‌شود، و هیچ بنگاهی در شرایط یکسان قادر نیست قیمت خود را به مقدار قابل توجهی بالاتر از هزینه نهایی تثبیت نماید، و تنها از طریق افزایش کارایی می‌توان بین قیمت و هزینه تفاوتی را به وجود آورد. از دو شاخص برای تعیین میزان رقابت استفاده شده است که عبارتند از: لرنر و بون.

شاخص لرنر: شاخص لرنر نشان دهنده قدرت بنگاه در ایجاد تمایز بین قیمت و هزینه نهایی است، هر چه میزان این تفاوت افزایش یابد، قدرت انحصاری افزایش می‌یابد. شاخص لرنر بر پایه اقتصاد خرد استوار است و از حداکثر نمودن سود بنگاهها قابل استخراج است،

$$\text{lerner}_{it} = \frac{p_{it} - mc_{it}}{p_{it}} \quad (1-1)$$

در رابطه (۱-۱)، P نشان دهنده قیمت است، که برابر با نسبت درآمدها به کل دارایی است، در واقع تمام درآمدهای بهره‌ای و غیربهره‌ای در درآمد در نظر گرفته شده‌اند. اما mc نشان دهنده هزینه نهایی است، مقدار هزینه براساس تابع هزینه ترانسلوگ بانک با ستاده دارایی بانک‌ها و نهادهایی از قبیل نیروی کار، سرمایه و وجوه به دست می‌آید.

شاخص بون^۱: شاخص بون بر این اساس طراحی شده است، که بنگاههای با حداقل هزینه و حداکثر کارایی، سهم بازاری بالاتری را در بازار به دست می‌آورند، ضریب منفی برای شاخص مذکور نشان دهنده رقابتی بودن بازار بوده و بانک‌های دارای کارایی بالاتر سهم بیشتری از بازار را به دست می‌آورند، در واقع هر چه میزان ضریب بالاتر باشد، میزان رقابتی بودن بازار نیز افزایش خواهد یافت. رابطه (۲-۱) رابطه‌ی تعیین شاخص بون را نشان می‌دهد.

$$\begin{aligned} \text{Ln}(ms_{st}) = & \alpha \quad (2-1) \\ & + \sum_{t=1, \dots, (t-1)} \beta_t D_t \times \text{Ln}(mc_{st}) \\ & + \sum_{t=1, 2, \dots, (t-1)} \theta_t D_t + \epsilon_{st} \end{aligned}$$

^۱ Boone indicator

در رابطه (۲-۱)، ms و mc به ترتیب نشان دهنده سهم بانک از بازار و هزینه نهایی بانک است، متغیر D متغیر دامی زمانی است و نشان دهنده عواملی است که در طول زمان بر بانک‌ها موثر است، ضریب β شاخص بون را نشان می‌دهد.

۲- تمرکز: تمرکز یکی از متغیرهای ساختاری است که بر چگونگی توزیع بازار بین بنگاه‌های مختلف اشاره دارد، تمرکز به معنای توزیع بازار در بین بنگاه‌های اندک تعریف می‌شود. در واقع اگر تعداد بانک‌های کمتری، حجم زیادی از بازار را در دست داشته باشند، میزان تمرکز افزایش می‌یابد، و میزان تمرکز رابطه‌ای عکس را با تعداد بانک‌ها دارد. سهم بازاری بانک‌ها به صورت سهم سپرده و سهم تسهیلات از کل تعریف می‌شود. برای اندازه‌گیری میزان تمرکز از دو شاخص سهم ۵ بانک (CR_5) و شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) استفاده شده است.

$$HHI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{x_i}{x} \right)^2 \quad (۳-۱)$$

$$CR_5 = \sum_{i=1}^5 \left(\frac{x_i}{x} \right)$$

در معادلات بالا x_i میزان سپرده و یا میزان تسهیلات هر بانک در زمان مشخص می‌باشد، و x کل سپرده و یا کل تسهیلات می‌باشد.

۳- ثبات مالی: ثبات مالی به شرایطی اطلاق می‌شود که سیستم مالی بدون هیچ مشکل و نارسایی قادر به ایفای وظیفه‌اش در تخصیص منابع اقتصادی و مدیریت ریسک‌ها و همچنین عملکرد موثر سیستم پرداخت‌ها بوده و در عین حال از انعطاف لازم برای مواجهه با تکانه‌های وارده اعم از داخلی و خارجی برخوردار باشد. ثبات مالی عملکرد مناسب سیستم و استحکام

تمامی اجزای تشکیل دهنده یک سیستم مالی است. تمامی اجزای یک سیستم مالی در اقتصاد به هم مرتبط بوده و چنانچه یکی از این اجزا دچار عدم تعادل گردد، تمامی سیستم را دچار بی ثباتی خواهد کرد. در این تعریف ثبات مالی برای تمام اجزای سیستم مورد استفاده قرار گرفته است و ارتباط ثبات سیستم مالی و تمامی فعالیت‌های مرتبط با این سیستم مطرح شده است. از دو شاخص **Z-Score** و نسبت مطالبات غیر جاری استفاده شده است.

نسبت نمره دهی **Z (Z-Score)**: هر چه نوسان سودآوری بانک‌ها کاهش و میزان سودآوری افزایش یابد، سلامت و ثبات مالی نیز افزایش می‌یابد، رابطه (۴-۱) معیار **Z-Score** را نشان می‌دهد.

$$Z_{it} = \frac{RoA_{it} + (E/TA)_{it}}{\sigma_{(ROA)}_{it}} \quad (۴-۱)$$

در رابطه (۴-۱)، **ROA** بازدهی دارایی‌ها (نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها) را اندازه‌گیری می‌کند، **E/TA** میزان حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها را اندازه‌گیری می‌کند، $\sigma_{(ROA)}_{it}$ انحراف معیار سه دوره‌ای بازدهی دارایی‌ها است. رابطه (۴-۱) نشان می‌دهد که هر چه میزان بازدهی دارایی‌ها بالاتر باشد، کارایی بانک‌ها نیز افزایش می‌یابد، و همچنین هر چه میزان نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌ها افزایش یابد، بانک‌ها در شرایط بحرانی، مقاومت بالایی را خواهند داشت. علاوه بر آن کاهش نوسان سودآوری بانک‌ها به معنای ثبات بیشتر بانک‌ها می‌باشد. به طور کلی هر چه میزان شاخص **Z-Score** بالاتر باشد، میزان ثبات مالی بانک‌ها نیز افزایش می‌یابد.

نسبت مطالبات غیرجاری (NPL^1): یکی از وظایف اصلی برای سیستم بانکی، جذب سپرده و ارائه تسهیلات می‌باشد. بانک‌ها برای جذب سپرده بهره پرداخت می‌کنند و برای اعطای تسهیلات، بهره دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه افزایش مطالبات غیرجاری به معنای کاهش اعتبارات در دسترس برای دریافت بهره برای بانک و در سطح کلان کاهش تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی است، بنابراین شکاف بین بهره پرداختی و دریافتی را افزایش داده و این موجب کاهش ثبات مالی بانک‌ها می‌شود. لذا تغییرات نسبت مطالبات غیرجاری دارای دلالت‌های مهمی بر ثبات مالی بانک‌ها می‌باشد.

$$NPL = \frac{\text{کل مطالبات غیرجاری}}{\text{کل تسهیلات اعطایی}} (5 - 1)$$

رابطه (۵-۱) نسبت مطالبات غیرجاری را نشان می‌دهد، کل مطالبات غیرجاری برابر با کل مطالبات معوق، سررسید گذشته و مشکوک‌الوصول هر بانک در هر سال می‌باشد.

¹ . Non- performing loan raito

بخش دوم: بررسی و شناسایی ثبات مالی

ثبات مالی عبارت از عملکرد مناسب و استحکام تمامی اجزای تشکیل دهنده یک سیستم مالی است. تمامی اجزای یک سیستم مالی در اقتصاد به هم مرتبط بوده و چنانچه یکی از این اجزا دچار عدم تعادل گردد، تمامی سیستم را دچار بی ثباتی خواهد کرد. در این تعریف ثبات مالی، تمامی اجزای سیستم مورد استفاده قرار گرفته است و ارتباط ثبات سیستم مالی و تمامی فعالیت های مرتبط با این سیستم مطرح شده است. گری شناسایی ثبات مالی را ممانعت از داخل شدن عناصر اصلی سیستم مالی در یک سری عدم تعادل هایی که به صورت دوره ای کارایی اقتصادی را تهدید می کند، تعریف می کند. او ثبات مالی را در اقتصاد شرط لازم برای ارزیابی، شناسایی و مدیریت درست ریسک مالی (اعتباری، نقدینگی و بازار) به منظور حداکثر کردن کارایی اقتصادی می داند. یکی از شاخص های اصلی برای بررسی ثبات مالی، نسبت مطالبات غیرجاری است، گردش صحیح و سریع منابع و مصارف بانک ها بیانگر سلامت سیستم بانکی و کارایی روش های اجرایی آن است. به این منظور تامین و تجهیز منابع مالی، چگونگی مصرف منابع جذب شده و نحوه بازگشت مجدد آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. منابع جذب شده به عنوان ورودی های سیستم بانکی و تسهیلات پرداختی یا مصرف منابع جذب شده، به عنوان خروجی سیستم بانکی محسوب می شود. مسلماً بروز هر گونه خلل یا مشکل در هر یک از این بخش ها موجب به وجود آمدن مشکلاتی در فرآیند سیستم خواهد شد. وصول تسهیلات اعطایی در مدت زمان تعیین شده، مشخص کننده اجرای روش های صحیح و به کارگیری منابع در جهت ایجاد تسهیلات لازم به منظور گسترش فعالیت های اقتصادی و هدایت منابع به مکان های صحیح سرمایه گذاری می باشد. یکی از مشکلات اساسی که امروزه بانک های کشور با آن مواجه هستند، مشکل مطالبات غیرجاری و تسهیلات وصول نشده آنها است، وجود

مطالبات غیرجاری از یک طرف منابع درگیر در بخش اعتباری را راکد و بلا استفاده کرده است و از سوی دیگر فرصت استفاده سایر مشتریان از منابع بانک را گرفته و در نتیجه سودآوری بانک کاهش می‌یابد، گرفتن وثایق گرچه شرط لازم جهت اعطای تسهیلات می‌باشد، اما شرط کافی نیست. درواقع وجود مطالبات غیرجاری بالا در سیستم بانکی بیانگر ناکارآمدی این روش در بازپرداخت تسهیلات اعطایی می‌باشد. از جمله عوامل ایجاد مطالبات غیرجاری می‌توان به وجود رکود در بخش واقعی اقتصاد اشاره نمود. رکود حاکم بر بخش‌های اقتصادی باعث ناتوانی بخش تولیدی از بازپرداخت تسهیلات دریافتی شده است. همین امر مطالبات غیرجاری را افزایش داده است. در واقع وجود مطالبات غیرجاری باعث بلوکه شدن بخش مهمی از منابع بانک که می‌توانست در بخش تولیدی مورد استفاده قرار گیرد خواهد شد که در نتیجه آن بخش تولیدی را با رکود بیشتری مواجه خواهد ساخت. از عوامل دیگر موثر بر ایجاد مطالبات غیرجاری، تحریم‌های بین‌المللی است که اثر منفی خود را بر بخش تولید گذاشته است. در نتیجه توان بخش تولید در بازپرداخت وام‌های دریافتی کاهش یافته است، ادامه این روند باعث تشدید مطالبات غیرجاری در دوره‌های آتی خواهد شد.

بخش سوم: اهمیت ثبات بانکی با نگاهی به شاخص‌های آن

از شاخص‌های مهم در بخش بانکداری عامل ثبات بانکی است که به میزان پایداری نظام بانکداری در مقابل متغیرهای اقتصاد کلان (مانند تورم و تولید ناخالص ملی)، عامل‌های توسعه اقتصادی و تمرکز بخش بانکداری اطلاق می‌شود. ثبات مالی مانند سلامت معمولاً با ضد آن تعریف می‌شود. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی در همه یا اکثر شاخص‌های مالی شامل نرخ‌های بهره کوتاه مدت و قیمت دارایی‌ها (اوراق بهادار، سهام، مستغلات و زمین) و ورشکستگی و سقوط موسسات مالی گفته می‌شود، در حالی که رونق یا حباب برحسب هجوم

بول به سوی دارایی‌های حقیقی و یا مالی شناسایی می‌شود که بر انتظار استمرار در افزایش قیمت دارایی‌ها مبتنی است (نیلی ۱۳۹۰)

یک دلیل شکنندگی بانک‌ها در قبال بحران‌های مالی، از طبیعت واسطه‌گری آنها نشأت می‌گیرد. بانک‌ها سپرده‌های با سررسید کوتاه‌مدت را به تسهیلات با سررسید بلندمدت تبدیل می‌کنند، بنابراین ترازنامه بانک‌ها معمولاً دچار عدم تطابق سررسیدها است. از سوی دیگر بانک‌ها نمی‌توانند اعتبارات اعطایی را به راحتی و سهولت فراخوانی کنند و نوعی عدم انعطاف در سمت دارایی‌های بانک از این حیث وجود دارد. بنابراین به دلیل آسیب‌هایی که موسسات مالی و به خصوص بانک‌ها در معرض آن قرار دارند و شکنندگی ذاتی این موسسات، ریسک‌های ناظر به ثبات مالی به یک مراقبت دائمی نیاز دارند. (دارستانی ۱۳۹۳)

ثبات سیستم مالی در هر اقتصادی مهم و دارای ارزش است، چرا که یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی، ثبات مالی است. از یک طرف اعتبارات یکی از عوامل تعیین‌کننده توسعه اقتصادی است چرا که کارآفرین‌ها برای ابداعات خود نیاز به تامین مالی دارند، و به این واسطه بانک‌ها و بازارهای مالی تسهیل‌کننده رشد اقتصادی هستند، از طرف دیگر، تامین مالی نوعی پاسخ به رشد اقتصادی است. با افزایش رشد اقتصادی، بنگاه‌ها و خانوارها احتمالاً خدمات مالی را تقاضا می‌کنند، بنابراین از هر دو جهت رشد اقتصادی و بخش مالی در اقتصاد دارای ارتباط تنگاتنگی هستند.

بند اول: شاخص‌های ثبات مالی

همانطور که گفته شده است، از دو شاخص نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات و Z -Score استفاده شده است.

۱- نسبت مطالبات غیر جاری

شاخص اول میزان نسبت مطالبات معوق و مشکوک الوصول به کل وام است و آنرا به صورت **NPL** نشان داده می‌شود. در واقع نشان می‌دهد به ازای مقدار مشخص از تسهیلات چه مقدار وام بازپرداخت نشده است.

$$NPL = \frac{\text{کل مطالبات غیر جاری}}{\text{کل تسهیلات اعطایی}} \quad (۱-۲)$$

۲- شاخص نمره دهی (Z-Score)

شاخص دوم مورد استفاده یکی از معیارهای لازم برای محاسبه ثبات بانک‌ها، استفاده از معیار **Z-score** است، این معیار در واقع میزان انحراف معیاری را اندازه‌گیری می‌کند، که بازدهی از میزان درماندگی مالی یا به عبارتی ورشکستگی مالی فاصله دارد. این معیار به صورت رابطه (۸-۳) قابل اندازه‌گیری است.

$$Z_{it} = \frac{ROA_{it} + (E/TA)_{it}}{\sigma(ROA)_{it}} \quad (۲-۲)$$

در معادله (۲-۲)، **ROA** بازدهی دارایی را اندازه‌گیری می‌کند، **E/TA** میزان حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها را اندازه‌گیری می‌کند، $\sigma(ROA)_{it}$ نیز انحراف معیار بازدهی دارایی است که با چرخه ۳ ساله محاسبه می‌شود. هر چه میزان معیار فوق بالاتر باشد، احتمال ورشکستگی کاهش یافته و در واقع نشان‌دهنده اعتبار بانک است، در واقع این معیار برای هر بانک و هر سال محاسبه می‌شود.

بند دوم: تمرکز

تمرکز منابع بانک‌ها وضعیتی است که در آن صنعت بانکداری به وسیله تعداد کمی از بانک‌های پیشرو و یا بزرگ فعال در این صنعت، کنترل می‌شود. به بیان دیگر تمرکز بازار بانکی بیانگر تعداد بانک‌ها و توزیع سهم بازار بانکی در بین بانک‌های موجود است. برای پرداختن به تمرکز بازار بانکی باید ابتدا محدوده بازار یا صنعت بانکداری (دولتی در مقابل خصوصی یا موسسات اعتباری در مقابل بانک‌ها) و سپس متغیر مورد توجه (سپرده، اعتبارات، دارایی‌ها و غیره) را مشخص نمود. (بروجردی و همکاران ۱۳۸۹)

در ادبیات تحقیق معمولاً از درجه تمرکز بازار به عنوان شاخص وجود انحصار (در مقابل عدم وجود انحصار) و همچنین شدت آن استفاده می‌شود. به این ترتیب تمرکز بالا در بازار به معنای انحصاری بودن بازار در دست تعداد معدودی از بنگاههای اقتصادی است. شواهد متناقضی در رابطه با تاثیر شدت انحصار در یک بازار بر تعالی و پیشرفت یک اقتصاد وجود دارد، از یک سو بیان می‌شود وجود شرایط انحصاری، باعث از بین رفتن انگیزه‌های رقابتی شده و در نتیجه اثر بخشی و کارایی منابع به کار گرفته شده از بین خواهد رفت (حیمنز و همکاران ۲۰۰۷). از سوی دیگر برخی محققان (مانند نظر آلن و همکاران^۱، ۲۰۰۴، بک و همکاران ۲۰۰۶) بیان می‌کنند وجود شرایط رقابتی سبب خواهد شد تا ریسک فعالیت بانک‌ها به شدت افزایش یافته و از سوی دیگر باعث کاهش بازده بانک‌ها می‌شود. به این ترتیب این دسته از محققان نتیجه می‌گیرند که نظام بانکداری متمرکز می‌تواند موثرتر از بانکداری رقابتی باشد. از این روشن است که شدت تمرکز در صنعت بانکداری می‌تواند از طریق تحت تاثیر قرار دادن کارایی و اثر بخشی منابع (در جهت مطلوب یا نامطلوب)، پیامدهای با اهمیتی بر سودآوری بانک‌ها

^۱ Allen et al (۲۰۰۴)

داشته باشد. نحوه تاثیرگذاری مثبت تمرکز صنعت بر سودآوری را می‌توان در دو دیدگاه خلاصه کرد: دیدگاه کلاسیک و دیدگاه معاصر. دیدگاه کلاسیک تمایل دارد تا به صنعت به عنوان واحد تحلیل تمرکز کرده و حداقل توجه را به موضوعات خاص شرکت یا تفاوت‌های بین شرکتی داشته باشد. در این دیدگاه، مهم‌ترین عوامل تعیین کننده سودآوری صنعت، درجه تمرکز و رقابت در صنعت، به ویژه در بین شرکت‌های باثبات است. درجه بالاتر تمرکز به معنی سهولت بیشتر (و هزینه پایین‌تر) توافق (تبانی) است و از این رو صنعت سودآور خواهد بود. (بروجردی و همکاران ۱۳۸۹)

دیدگاه معاصر، تمامی بازارها را تا حدودی رقابتی می‌داند و کارایی (صرفه جویی‌های) ناشی از مقیاس را بی‌اهمیت یا ناچیز می‌شمارد. موضوع کلیدی توجه به تفاوت‌های شرکت، به ویژه تفاوت‌های در کارایی است. شرکت‌های کارا، سودآورتر بوده و همچنین سهم بزرگتری از بازار را به دست می‌آورند. رابطه بین رقابت و تمرکز در مدل‌های کلاسیک مبتنی بر پارادایم رفتار-ساختار-عملکرد بسیار بحث شده است در واقع نظریه‌ای غالب در دهه ۱۹۷۰ بوده است، مدل رفتار-ساختار-عملکرد فرض می‌کند که در سیستم‌های متمرکز، رقابت کمتر به معنای احتمال بالاتر برای ثابت بودن قیمت است که این منجر به سود بالاتر و مثبت بودن رابطه بین تمرکز و سودآوری می‌شود (بین^۱ ۱۹۵۱). تئوری فرضیه ساختار کارا که دارای شباهت به مدل رفتار-ساختار-عملکرد است و به وسیله دمستز^۲ (۱۹۷۳) ارائه شد، بیان می‌کند که بازارهای متمرکز به مکان‌هایی گفته می‌شود که بنگاه‌های (بانک) با کارایی بالاتر فعالیت می‌کنند، اما هیکس^۳ (۱۹۳۵) یک تئوری مخالف با تئوری فرضیه ساختار کارا ارائه داد که در ادبیات به

^۱ Bain (۱۹۵۱)

^۲ Demsetz (۱۹۷۳)

^۳ Hicks (۱۹۳۵)

صورت فرضیه زندگی ساکن ارائه شده است، بر طبق این فرضیه بنگاه‌های با قدرت بازاری برتر قادر به حداقل کردن هزینه‌های خود و یا نیل به حداکثر کارایی نمی‌باشند، و بنابراین آنها بیان می‌کنند، که رابطه مثبت معناداری بین درجه تمرکز و عدم کارایی وجود دارد.

• شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن

یکی از داده‌هایی که برای مطالعه حاضر مورد نیاز است، میزان شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن است که درجه تمرکز را نشان می‌دهد. به طوری که هر چه این شاخص بالاتر باشد به معنی تمرکز بالا و هر چه این شاخص عددی کمتر باشد نشان دهنده رقابتی بودن بازار است. در واقع میتوان این شاخص را با توجه به مقدار دارایی، سپرده و یا تسهیلات اعطایی حساب کرد. روش محاسباتی آن نیز به صورت رابطه (۳-۲) می‌باشد.

$$Hirfindhl = \sum_{i=1}^n (S_i)^2 \quad (3-2)$$

در رابطه (۳-۲) S سهم هر بانک در میزان شاخص مورد استفاده برای محاسبه درجه تمرکز است. برای اندازه گیری میزان تمرکز از دو شاخص سهم ۵ بانک (CR_5) و شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) استفاده شده است.

$$HHI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{x_i}{x} \right)^2$$

(۴-۲)

$$CR_5 = \sum_{i=1}^5 \left(\frac{x_i}{x} \right)$$

در معادله های (۴-۲) x_i میزان سپرده و یا میزان تسهیلات هر بانک در زمان مشخص می باشد، و x کل سپرده و یا کل تسهیلات می باشد.

بند سوم: رقابت

دنیای امروز دنیای رقابت بنگاههای اقتصادی برای تسخیر بازارها و جلب مشتریان است و محور عمده این رقابت ها بر به کارگیری روش ها و راهبردهای جذب مشتریان متمرکز شده است. صنعت بانکداری نیز نسبت به گذشته به بازاریابی و آشنایی با مفاهیم آن نیاز بیشتری دارد. با توجه به شکل گیری انواع مختلف بانک ها در کشور، اگر بانک های کشور نتوانند راهبردهای خاصی را در رقابت با یکدیگر تدوین کنند، به مرور زمان سهم خود را در منابع، مصارف و در نتیجه در سود و زیان از دست خواهند داد. بنابراین در شرایطی که اقتصاد ایران در حال تجربه ورود بانکهای خارجی و افزایش تعداد بانکهای خصوصی است، توجه به اصلاحات ساختاری در بانکداری و تحقیق در مورد سهم از بازاربانکها دارای اهمیت است.

رقابت از جمله موضوعاتی است که کارشناسان اقتصادی همواره از آن به عنوان راهکارهای برای رشد اقتصادی و بهره گیری بهینه از منابع اقتصادی یاد می کنند. افزایش رقابت و کارایی در بازار بانکی می تواند باعث افزایش کیفیت و تنوع خدمات بانکی و نیز کاهش هزینه های مبادلاتی شود. با توجه به نقش بانک ها در اقتصاد، رقابتی بودن یا نبودن آنها می تواند نشان

دهنده توانایی بانک‌ها در اثر گذاری بر اقتصاد باشد. شناسایی و تشخیص وضعیت رقابت بازار بانکی کشور می‌تواند به سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نظام بانکی کشور کمک کند تا نظام بانکی کشور به سمت رقابتی شدن و کارایی بیشتر هدایت کنند. بدون آگاهی از ساختار شبکه بانکی کشور، ایجاد تغییرات ساختاری و صرف هزینه‌ها به منظور پیشبرد سیستم بانکی کشور به سمت کارآیی و رقابت بیشتر، ممکن است ناکارآمد بوده و نتیجه مطلوب را به دست ندهد. امروزه رابطه بین رقابت و ثبات مالی یکی از مباحثی است که در دو دهه اخیر و به ویژه از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۷ مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، رقابت اگرچه اثر مثبتی بر کارایی، کیفیت تولیدات و نوآوری در بسیاری از بخش‌های اقتصادی دارد، اما رقابت بین بانک‌ها همیشه یکی از مسائل بحث برانگیز است، دو نظریه متفاوت در مورد رقابت و ثبات مالی مطرح است، نظر رقابت-شکندگی بیان می‌دارد که رابطه بین رقابت و ثبات مالی منفی است، چرا که افزایش رقابت بین بانک‌ها باعث کاهش حاشیه سود و قدرت بازاری می‌شود. بنابراین بانک‌ها را وادار می‌کند که برای فعالیت‌های خود ریسک بیشتری را بپذیرند، اما در نظریه رقابت-ثبات، رقابت منجر به افزایش ثبات مالی می‌شود. چرا که هر چه میزان رقابت بین بانک‌ها افزایش یابد، نرخ بهره کاهش یافته و در نتیجه کژگزینی و مخاطرات اخلاقی بین قرض دهندگان کاهش داده و بنابراین نکول وام کاهش می‌یابد، که این منجر به افزایش ثبات مالی بانک‌ها می‌شود. اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد، که رابطه بین رقابت در سیستم بانکی و ثبات مالی به صورت U شکل است.

رابطه بین ثبات و رقابت به خصوص در بخش مالی هم در تئوری و هم به صورت تجربی در تحقیقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، اما آنچه‌که قابل بیان است این است که هنوز هیچ‌گونه اجماع علمی بر روی اینکه آیا رقابت در سیستم بانکی منجر به ثبات بیشتر و یا کمتر

می شود وجود ندارد، از یک طرف، رقابت ممکن است به دلیل افزایش هزینه بانک‌های بی ثبات و خروج آنها از بازار منجر به افزایش ثبات بازار شود، از طرف دیگر رقابت ممکن است بانک‌ها را در جهت کسب سودآوری بالا به سمت فعالیت‌های دارای ریسک بالاتر تحریک نماید، و بنابراین افزایش رقابت منجر به بحران مالی و بی ثباتی مالی شود.

تئوری جدید مبتنی بر ادبیات سازمان‌های صنعتی که با استفاده از داده‌های در سطح بنگاه‌های فردی و یا کل صنعت قابل آزمون است، بیان می کند که درجه رقابت همیشه وابسته به معیارهای تمرکز نیست، و سایر مشخصات بازار از قبیل موانع پویا برای ورود و یا خروج دارای اهمیت بالاتری هستند. در این تئوری شدت رقابت و میزان تمرکز باید به طور همزمان مورد ارزیابی قرار گیرد، درجه تمرکز و دامنه فرصت‌ها برای ورود و یا خروج از یک صنعت خاص به وسیله موانع پویا برای ورود قابل تعیین است. بررسی تغییرات در رقابت در درون بخش بانکی به واسطه دو کانال ترکیب و ادغام و موانع ورود و یا خروج امکانپذیر است. روش سازمان‌های صنعتی برای بخش بانکی بیشتر بر اندازه گیری رقابت در بخش بانکی متمرکز است شاخص‌هایی از قبیل شاخص لرنر، آماره H و شاخص بون مورد بررسی قرار می‌دهد، شاخص لرنر معیاری از اندازه گیری انحصار است، براساس شاخص لرنر، قدرت بازاری انحصارگر به کشش قیمتی تقاضای بازار وابسته است، افزایش شاخص لرنر نشان دهنده کاهش در رقابت می‌باشد، پانزار و رز معیار رقابت را به صورت مجموع کشش درآمدی اندازه گیری می‌کنند، که در ادبیات به آماره H شهرت دارد، افزایش ارزش آماره H نشان دهنده افزایش در رقابت است، روش بون مبتنی بر فرضیه ساختار کارا است (پاولسکا^۱ ۲۰۱۴).

^۱ Pawlowska (۲۰۱۴)

در ادبیات تحقیق معمولاً از درجه تمرکز بازار به عنوان شاخص وجود انحصار و همچنین شدت آن استفاده می‌شود، به این ترتیب تمرکز بالا در بازار به معنای انحصاری بودن بازار در دست تعداد معدودی از بنگاه‌های اقتصادی است. شواهد متناقضی در رابطه با تاثیر شدت انحصار در یک بازار بر تعالی و پیشرفت یک اقتصاد وجود دارد، از یک سو بیان می‌شود وجود شرایط انحصاری، باعث از بین رفتن انگیزه‌های رقابتی شده و در نتیجه اثر بخشی و کارایی منابع به کار گرفته شده از بین خواهد رفت (حنان ۱۹۹۸، جیمز و همکاران ۲۰۰۷)، از سوی برخی از محققان (آلن و همکاران ۲۰۰۴، بک و همکاران ۲۰۰۶) بیان می‌کنند وجود شرایط رقابتی سبب خواهد شد تا ریسک فعالیت بانک‌ها به شدت افزایش یافته و از سوی دیگر باعث کاهش بازده بانک‌ها می‌شود. به این ترتیب این دسته از محققان نتیجه می‌گیرند که نظام بانکداری متمرکز می‌تواند موثرتر از بانکداری رقابتی باشد. از این رو روشن است که شدت تمرکز در صنعت بانکداری می‌تواند از طریق تحت تاثیر قرار دادن کارایی و اثربخشی منابع (در جهت مطلوب یا نامطلوب) پیامدهای بااهمیتی بر سودآوری بانک داشته باشد. (بروجردی و همکاران ۱۳۸۹)

از حدود یک دهه پیش مطالعاتی در ادبیات علم اقتصاد آغاز شده است که وام‌های غیرعملیاتی یا همان مطالبات معوق عوامل موثر بر آسیب‌پذیری مالی را بررسی می‌کنند، این موقعیت ممکن است به این واقعیت بیافزاید که دارایی‌های آسیب‌دیده یک نقش کلیدی در آسیب‌پذیری مالی ایفا می‌کند، چرا که به عنوان مثال ارتباط عمیقی میان مطالبات معوق و بحران‌های مالی و بانکی آرژانتین، آسیای شرقی و کشورهای آفریقایی در طول دهه ۱۹۹۰ وجود داشت.

در زمینه رقابت در صنعت بانکداری بر مطالبات معوق بانک‌ها دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است که برخی رقابت را باعث افزایش مطالبات معوق و برخی دیگر کاهش مطالبات معوق می‌دانند. در این زمینه توجیهاتی نیز ارائه شده است. کسانی که رقابت را فزاینده مطالبات معوق می‌دانند، بیان می‌کنند که:

افزایش رقابت و کاهش رقابت بازاری بانک‌ها باعث کاهش ارزش مجوز بانک‌ها می‌شود. ارزش مجوز در واقع ارزشی است که بانک در ورای ارزش دفتری در بازار دارا می‌باشد. در واقع ارزش مجوز ارزش فعلی درآمدهایی است که بانک تنها در صورت ادامه فعالیت خود در بازار به دست می‌آورد. در این صورت با کاهش ارزش مجوز هزینه فرصت ورشکستگی نزد بانک‌ها را کاهش می‌یابد که این مسئله بانک‌ها را به ریسک پذیری بیشتر تشویق می‌کند. با حرکت به سمت افزایش رقابت بر تعداد بانک‌ها افزوده می‌شود. تعدد بانک‌ها نظارت‌های بیرونی بر بانک‌ها را مشکل می‌سازد، احتمالاً با کاهش کارآمدی نظارت ضریب ریسک پذیری بانک افزایش خواهد یافت. بانک‌های بزرگتر معمولاً مشتریان با سابقه‌تری دارند. بانک‌ها با شناخت بیشتر مشتریان می‌توانند بر مشکل اطلاعات نامتقارن و انتخاب بد فائق آمده و وام‌های کم ریسک‌تری بپردازند، آنان که رقابت را باعث بهبود امارها در این مسئله می‌دانند نیز دلایل خود را دارند، به عنوان مثال آنان بیان می‌کنند که نخستین و مهم‌ترین دلیل در این حوزه پارادیم انتقال ریسک است. این پارادیم بر مخاطرات اخلاقی و انتخاب بد متمرکز است. در واقع تاثیر رقابت را بر انگیزه‌های مخاطرات اخلاقی و انتخاب بد وام‌گیرندگان بررسی می‌کنند.

بخش ششم: نگاهی اجمالی به پیشینه تحقیقاتی پژوهش

الف) مطالعات خارجی

الگوی ارزش حق امتیاز برای بانک‌های ریسک پذیر هم با مقررات دولتی و هم بدون آن در ادبیات بانکداری مطرح است، این الگو به طور ساده بیان می‌کند که بانک‌ها برای حفظ رانت ناشی از شبه انحصار بودن که به وسیله قوانین دولتی ایجاد شده است، ریسک پذیری خود را محدود می‌کنند، در صورت ایجاد رقابت ارزش قوانین دولتی و رانت موجود از بین رفته که موجب افزایش ریسک پذیری بانک‌ها شده و بنابراین ثبات مالی سیستم بانکی کاهش می‌یابد. بر همین اساس مطالعاتی مختلفی بر روی رابطه رقابت و ثبات در سیستم بانکی و تمرکز در سیستم بانکی انجام شده است. مارکوس^۱ (۱۹۸۴) به عنوان اولین مطالعه با استفاده از مدل یک دوره‌ای نشان می‌دهد. زمانی که بانک‌ها سیاست‌های ریسکی را اجرا می‌کنند ارزش فرانشیز کاهش می‌یابد. چن و همکاران^۲ (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که افزایش رقابت باعث کاهش مازادی می‌شود که بانک‌ها می‌توانند با شناسایی قرض گیرندگان با کیفیت به دست آورند. کاهش ارزش باعث کاهش غربالگری بانک از قرض گیرندگان بالقوه شده و بنابراین کیفیت پرتفوی اعتبار کاهش می‌یابد. بیسانکو و تاکور^۳ (۱۹۹۳) بیان می‌کنند که افزایش رقابت باعث از بین رفتن رانت اطلاعاتی ناشی از روابط بانکی شده و منجر به افزایش ریسک پذیری بانک‌ها می‌شود. با استفاده از مدل‌های بهینه‌ی پویا برای دوره زمانی نامحدود سوارز^۴ (۱۹۹۴) نشان می‌دهد که یک جایگزینی بین قدرت بازاری و ورشکستگی برقرار است، اگر قدرت بازاری بانک کاهش یابد، بانک به سمت فعالیت‌های دارای ریسک بالا تحریک می‌شوند، زمانی که

^۱ Marquez (۱۹۸۴)

^۲ Chan et al (۱۹۸۶)

^۳ Besanko and Thakor (۱۹۹۳)

^۴ Suarez (۱۹۹۴)

ارزش فرانشیز بانک به عنوان جزیی از هزینه ورشکستگی تلقی می شود در اینصورت بانک ها باید سیاست های محتاطانه ای را در جهت افزایش ورشکستگی بانک اتخاذ نمایند. ماتیوس و ویوس^۱ (۱۹۹۶ و ۲۰۰۰) در یک ساختار رقابت ناقص نشان می دهند که هر چه قدرت بازاری بانک ها افزایش یابد، احتمال نکول بانک ها کاهش می یابد. هلمن و همکاران^۲ (۲۰۰۰) در یک مدل پویای مخاطرات اخلاقی نشان می دهند، که افزایش رقابت بانک ها اثر منفی بر رفتار محتاطانه بانک ها دارد. تحلیل دیگری از پارادیم فرانشیز توسط آلن و گیل^۳ (۲۰۰۰) ارائه شده است، که در قالب آن افزایش در قدرت بازاری هم در بازار وام و هم در بازار سپرده منجر افزایش نرخ وام بالاتر برای قرض گیرندگان شده و در یک محیط مخاطرات اخلاقی سرمایه گذاران در مواجهه با وام های با نرخ بالاتر، پروژه های سرمایه گذاری با نرخ بالاتر را انتخاب می کنند و بنابراین احتمال نکول و ریسک ورشکستگی برای بانک افزایش می یابد. بنابراین آنها زمانی که تعداد بانک ها و رقابت بین آنها افزایش می یابد، سطح ریسک بانک ها کاهش می یابد.

در زمینه اطلاعات نامتقارن، مارکوینز^۴ (۲۰۰۲) نشان داده که افزایش تعداد بانک ها در یک بازار اطلاعات ویژه هر قرض گیرنده را پراکنده می کند در نتیجه اعتبارات با هزینه بالا برای قرض گیرندگان با کیفیت پایین در دسترس قرار دارد. کامینال و ماتوتس (۲۰۰۲) بیان می کنند که تاثیر خالص رقابت بانکداری ممکن است در نهایت به تعادل خالص دو اثر متکی باشد، از یک سو کارایی بهبود یافته صنعت با رقابت بیشتر در ارتباط است و از سوی دیگر رقابت بالا ممکن است توانایی حیات بانک را به خطر انداخته و خطر بحران های مالی را افزایش دهد، این

^۱ Matutes and Vives (۱۹۹۶, ۲۰۰۰)

^۲ Hellmann et al (۲۰۰۰)

^۳ Allen and Gale (۲۰۰۰)

^۴ Marquez (۲۰۰۲)

محققان میزان تاثیر قدرت بازار بر انگیزه‌های بانک در نظارت بر وام گیرندگان (مشکلات خطر اخلاقی) و پیامدهای رفاهی ناشی از آن را آزمون کردند، آنها دریافتند که درجه قدرت انحصارگرایی در بخش بانکی، ترکیب تعادلی اعتبار مبتنی بر مبادله و اعتبار مبتنی بر اطلاعات را تحت تاثیر قرار می‌دهد، هنگامی که تلاش نظارتی بیشتر به همراه قدرت بازاری بالاتر بر نرخ و وام‌گیری بالاتر چیره می‌شود. حالت بهینه آن است که تمامی بانک‌ها بخشی از قدرت بازار را در اختیار داشته باشند. رپلو^۱ (۲۰۰۴) با استفاده از مدل پویای رقابت ناقص بانک نشان می‌دهد، که افزایش رقابت در غیاب مقررات منجر به افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها می‌شود.

سلینتا (۲۰۱۰) تاثیر ساختار بازار را بر کارایی و سودآوری بانک‌های سریلانکایی بررسی می‌کند، نتایج حاصل از تحقیق ایشان نشان می‌دهد که عملکرد بانک‌های سریلانکایی رابطه‌ای با تمرکز بازار یا قدرت بازار هر یک از بانک‌ها ندارد، با این وجود هنگامی که تاثیر ساختار بازار و تمرکز بر سطح کارایی واحدهای بانکی اندازه‌گیری می‌شود، وجود رابطه مثبت تایید می‌شود. زاهو و همکاران^۲ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که در صنعت بانکداری هند، رقابت در سیستم بانکی باعث افزایش ریسک‌پذیری بانک‌ها می‌شود. یالدیز و باذنا^۳ (۲۰۱۰) نقش قدرت بازاری را بر روی ریسک وام در صنعت بانکداری ترکیه در دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۱ را مورد بررسی قرار می‌دهند، نتایج آنها نشان می‌دهد که رقابت منجر به ثبات مالی بانک‌ها می‌شود.

ب) مطالعات داخلی

پوستین چی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ۱۸ بانک فعال در دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ و روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که میان رقابت در صنعت بانکداری و مطالبات

^۱ Repullo (۲۰۰۴)

^۲ Zaho et al (۲۰۱۰)

^۳ Yaldiz and Bazzana (۲۰۱۰)

معوق یک ارتباط معکوس وجود دارد، همچنین نسبت وام به دارایی، نسبت سوددهی به دارایی، کل دارایی و آزادی اقتصادی نیز تاثیر مستقیم و معناداری بر این مطالبات دارند.

دارستانی (۱۳۹۳) عوامل موثر بر ثبات را در شبکه بانکی مورد بررسی قرار می دهد، ایشان برای تعیین ثبات بانکی از شاخص **Z-Score** و داده های سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ استفاده می کنند، نتایج نشان می دهد که وام دهی بانک ها باعث کاهش معناداری در ثبات مالی سیستم بانکی می شود. همچنین هر چه بازدهی سرمایه و سودآوری افزایش یابد، میزان ثبات بانکی افزایش یافته و بانک ها در شرایط ریسکی دارای توان بیشتری خواهند بود.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله فهمیدیم ثبات مالی به شرایطی اطلاق می شود که سیستم مالی بدون هیچ مشکل و نارسایی قادر به ایفای وظیفه اش در تخصیص منابع اقتصادی و مدیریت ریسک ها و همچنین عملکرد موثر سیستم پرداخت ها بوده است و در عین حال از انعطاف پذیری لازم برای مواجهه با تکانه های وارده اعم از داخلی و خارجی برخوردار باشد. اهمیت ثبات سیستم مالی به اندازه ای است که ریشه اغلب بحران های اقتصادی مالی بوده است، برای مثال بحران مالی دهه ۱۹۳۰ آمریکا و دهه ۱۹۹۰ آسیای جنوب شرقی و همچنین بحران سال های اخیر ناشی از عملکرد نامناسب سیستم مالی بوده است، افزایش تعداد بانک ها در سال های اخیر و به تبع آن تغییرات در شاخص های تمرکز و رقابت مسائلی زیادی را به وجود آورده است که محققان درصدد پاسخگویی به آنها هستند، در واقع مطالعه حاضر به این سوال پاسخ می دهد که آیا افزایش ورود بانک ها به صنعت بانکداری می تواند زمینه ثبات مالی و به تبع آن رشد اقتصادی را فراهم کند.

نهایتاً با توجه به اینکه اقتصاد ایران یک اقتصاد در حال توسعه است، بنابراین وجود هر گونه نقصی در فعالیت اقتصادی و سیستم تامین مالی اقتصاد دارای آثار جبران ناپذیری است، لذا آسیب شناسی بخش های اقتصادی گامی مهم در جهت هموار کردن فرآیند رشد اقتصادی است، در این میان بخش مالی مهمترین بخش اقتصادی است، اما تک بعدی بودن تامین مالی فعالیت های اقتصادی آسیبی جدی برای اقتصاد است.

۱- توسعه بازار سرمایه و بزرگ شدن اندازه (دارایی) بانک ها باید به عنوان یک راهبرد جدید در اقتصاد مورد توجه قرار گیرد. هر چه اندازه بانکها افزایش یابد نسبت مطالبات غیر جاری کاهش می یابد و در نتیجه ثبات مالی افزایش می یابد.

۲- وظیفه دولتمردان این است که اقتصاد را به سطح تعادل نزدیک کنند و مانع از شکل گیری بازارهای مبتنی بر رانت شوند، به این صورت که شفافیت اقتصادی را افزایش دهند. بانک ها به عنوان نهادهای اصلی برای واسطه مالی باید توجه خود را به سمت بخش های تولیدی متمرکز کنند، و تنها فعالیت های اقتصادی دارای ارزش افزوده را تامین مالی کنند، اما مهمترین مانعی که برای چنین وظیفه ای وجود دارد، نوسان فعالیت های اقتصادی و همچنین عدم اطمینان نسبت به آینده است.

۳- مشخص کردن تعداد بهینه بانک ها

براساس نتایج حاصل از مطالعه کاهش رقابت و افزایش تمرکز باعث افزایش ثبات مالی می شود، اما این روند تا بی نهایت ادامه ندارد و در واقع باید تعداد بهینه بانک ها تعیین شود، به عبارتی با افزایش تمرکز ثبات افزایش می یابد اما دارای روندی کاهنده است و همچنین با

کاهش رقابت ثبات بیشتر می شود ولی دارای روندی کاهنده است و این نشان می دهد که باید تعداد بهینه بانک ها مشخص شود.

۴- تلاش در جهت کنترل نوسانات فعالیت های اقتصادی و افزایش کارایی آنها

رابطه بین تولید و ثبات مالی ضد چرخه ای است در حالی که اگر بخش مالی در خدمت بخش واقعی باشد، بایستی این ارتباط مثبت باشد، دو دلیل برای چنین پدیده ای در اقتصاد وجود دارد، ابتدا این که نوسان فعالیت های اقتصادی بالا است و ممکن در یک دوره تامین مالی به دلیل منافع زیاد بخش اقتصادی صورت گیرد اما در دوره بعدی همان بخش دارای زیان است و این باعث کاهش ثبات مالی می شود، ثانيا کارایی فعالیت های اقتصادی پایین است و ممکن بخش ها در ابتدا دارای کارایی بالا باشند ولی در دوره های بعدی به دلیل عدم تطابق با تکنولوژی روز کارایی نسبت به سایر کشورها کاهش یابد و زمینه واردات را افزایش دهد.

۵- تقویت سیاست های نظارتی و وضع قوانین موثر و مفید در جهت ملزم کردن بانک ها به رعایت حداقل هایی برای افزایش تمرکز

۶- تقویت مدیریت بانک ها در زمینه شناسایی دقیق مشتریان و توانایی آنها در بازپرداخت تسهیلات اعطایی

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. افشاری، زهرا. یزدان پناه، احمد و مریم باخدا (۱۳۸۸)، تاثیر سیستم بیمه سپرده صریح بر وقوع بحران‌های بانکی (در کشورهای در حال توسعه)، فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۱، صص ۵۵-۲۵.
۲. اکرامی، محمود و آزاده رهنمااسکی (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۶، صص ۲۱۶-۱۹۵.
۳. پوستین چی، مجتبی (۱۳۹۲)، تاثیر رقابت در صنعت بانکداری بر مطالبات معوق بانک‌ها، مجله اقتصادی، ش ۷ و ۸، صص ۱۸-۵.
۴. تقوی، مهدی و قاسم نیکجو (۱۳۹۴)، بانک مرکزی و رهاوردی نوین برای برقراری ثبات مالی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، ش ۱ و ۲، صص ۳۸-۲۲.
۵. دارستانی، حسام ذالبگی (۱۳۹۳)، عوامل موثر بر ثبات در شبکه بانکی ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ش ۲۰، صص ۳۲۷-۳۰۷.
۶. شایگانی، بیتا و مصعب عبداللهی آرانی (۱۳۹۰)، بررسی ثبات در بخش بانکی اقتصاد ایران، دو فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، ش ۱۶، صص ۱۶۷-۱۴۷.
۷. شیر، بهزاد (۱۳۸۸)، ارزیابی نقش بانک‌های خصوصی در رقابتی کردن صنعت بانکداری ایران در دوره ۱۳۸۷-۱۳۸۰، دو فصلنامه برنامه و بودجه، ش ۱۰۹، صص

۸. عونى، ليلا (۱۳۸۶). شناسایی عوامل موثر بر سودآوری بانک‌های تجاری (مورد مطالعه: بانک رفاه) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.

۹. نوری بروجردی، پیمان. جلیلی، محمد و فاطمه مردانی (۱۳۸۹). بررسی تاثیر تمرکز و سایر عوامل در صنعت بانکداری بر سودآوری بانک‌های دولتی، فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۵، ۲۰۲-۱۷۵.

۱۰. نیلی فرهاد (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر ثبات مالی، فصلنامه روند، ش ۴۵، صص ۵۵-۲۵.

(ب) منابع لاتین

۱۱. Ak Kocabay, S., ۲۰۰۹. *Bank Competition and Banking System Stability: Evidence From Turkey*. Middle East Technical University, Ankara, Turkey Economics MA Thesis.

۱۲. Allen, F., Gale, D., ۲۰۰۰. *Comparing Financial Systems*. MIT Press, Cambridge, MA.

۱۳. Al-obaidan A.M (۲۰۰۸). *Market Structure concentration and performance in commercial banking industry of emerging markets*. European Journal of economics, finance and administrative sciences , ۱۲, ۱۰۴-۱۱۵.

۱۴. Amir, R. (۲۰۰۰). 'Market structure, scale economies and industry performance', *CIE Discussion Papers*, University of Copenhagen. Department of Economics. Centre for Industrial Economics.

۱۵. Angelini, P. and Cetorelli ,N.(۲۰۰۳). *The effects of regulatory reform on competition in the banking industry*. Journal of Money ,Credit and Banking, ۳۵(۵), ۶۶۳- ۶۸۴.

۱۶. Berger, A. (۱۹۹۵). The relationship between capital and earnings in banking. *Journal of Money, Credit and Banking*, ۲۷(۲), ۴۳۲-۴۵۶.
۱۷. Berger, A., and Bouwman, C. (۲۰۱۰). How does capital affect bank performance during financial crises? (Working Paper No. ۱۱-۱۲). Wharton Financial Institutions Center.
۱۸. Berger, A., Klapper, L., Turk-Ariss, R., ۲۰۰۹. Bank competition and financial stability. *J. Finan. Services Res.* ۲۱, ۸۴۹-۸۷۰.
۱۹. Boone, J., ۲۰۰۸. A new way to measure competition. *Econ. J.* ۱۱۸, ۱۲۴۵-۱۲۶۱.
۲۰. De Guevara F.J. Maudos J. Pérez F. ۲۰۰۵. Market Power in European and Banking Sectors, *Journal of Financial Services Research*, ۲۷(۲), ۱۰۹-۱۳۷.
۲۱. De Guevara, F.J. and Maudos, J. (۲۰۱۱). Banking competition and economic growth: cross-country evidence. *The European Journal of Finance*, ۱۷(۸), ۷۳۹-۷۶۴.
۲۲. Demsetz, H. (۱۹۷۳). Industry structure, market rivalry, and public policy. *Journal of Law and Economics*, ۱۶(۱), ۱-۹.
۲۳. Fu, X.M., Lin, Y.R., Molyneux, P., ۲۰۱۴. Bank competition and financial stability in Asia Pacific. *J. Banking Finance* ۳۸, ۶۴-۷۷.
۲۴. Hellmann, T.F., Murdock, K.C., Stiglitz, J.E., ۲۰۰۰. Liberalization, moral hazard in banking, and prudential regulation: are capital requirements enough? *American Economic Review* ۹۰(۱), ۱۴۷-۱۶۵.
۲۵. Hicks, J.R. (۱۹۳۵). The theory of monopoly. *Econometrica*, ۲(۱), ۱-۲۰.
۲۶. Jimenez, G., Lopez, J.A., Surina, J., ۲۰۱۳. How does competition affect bank risk-taking? *J. Finan. Stab.* ۹, ۱۸۵-۱۹۵.
۲۷. Kasman, S., Kasman, A (۲۰۱۵). Bank competition, concentration and financial stability in the Turkish banking industry. *Economic Systems*, ۱-۱۶.

۲۸. Khemraj, T. & S. Pasha (۲۰۱۰), *The Determinants of Non-Performing Loans: An Econometric Case Study of Guyana*.
۲۹. Kocabay, S. A. (۲۰۰۹), *"Bank Competition and Banking System Stability: Evidence from Turkey"*, Istanbul: Middle East Technical University.
۳۰. Koetter, M., Kolari, W.J., Spierdijk, L., ۲۰۱۲. Enjoying the quiet life under deregulation? Evidence from adjusted Lerner indices for U.S. banks. *Rev. Econ. Stat.* ۹۴, ۴۶۲-۴۸۰.
۳۱. Leuvensteijn, M.V (۲۰۰۸). *The Boone-indicator: Identifying different regimes of competition for the American Sugar Refining Company ۱۸۹۰-۱۹۱۴.*
۳۲. Liu, H., Molyneux, P., Wilson, J.O.S., ۲۰۱۳. Competition and stability in European banking: a regional analysis. *Manchester Sch.* ۸۱, ۱۷۶-۲۰۱.
۳۳. Marquez, R., ۲۰۰۲. Competition, adverse selection, and information dispersion in the banking industry. *Review of Financial Studies* ۱۵, ۹۰۱-۹۲۶.
۳۴. Martínez-Miera, D., Repullo, R., ۲۰۱۰. Does competition reduce the risk of bank failure? *Review of Financial Studies* ۲۳, ۳۶۳۸-۳۶۶۴.
۳۵. Matutes, C., Vives, X., ۲۰۰۰. Imperfect competition, risk taking, and regulation in banking. *European Economic Review* ۴۴, ۱-۳۴.
۳۶. Maudos, J., & de Guevara, J.F. (۲۰۰۷). The cost of market power in banking: social welfare loss vs. inefficiency cost. *Journal of Banking and Finance*, ۳۱(۷), ۲۱۰۳-۲۱۲۵.
۳۷. Seelanatha, L. (۲۰۱۰). Market Structure, Efficiency and Performance of banking industry in sri lanka. *Banks and bank systems*, ۵(۱), ۲۰-۳۱.